

پیام ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۷۶ شنبه ۱۶ خردادماه ۱۳۶۰ ۴ صفحه - ۱۵ ریال

هموطنان شرافتمند

و آزادیخواه

برای یک گردهمایی و راهپیمایی اعتراضی از شما دعوت میکنیم

هموطنان شرافتمند، مردم غیور و
آزادیخواه ایران

در شرایطی که همه آزادیهای فردی و
اجتماعی توسط هیئت حاکمه مستبد و انحصارگر
زیر پا نهاده شده و استقلال مملکت در معرض
خطرات جدی قرار دارد.

در شرایطی که با تعطیل دانشگاهها و
محروم کردن کشور از تربیت نیروی متخصص
راه وابستگی به قدرت‌های امپریالیستی جهان را
هموار کرده‌اند.

در شرایطی که با انعقاد قرارداد های
مقتضحانه میلیاردی دلار از جیب این ملت محروم
و رنج دیده را به بیگناهی داده‌اند.

در شرایطی که با مطرح کردن لوایحی
چون لایحه قصاص، لایحه احزاب و لایحه بازسازی
حیثیت انسانی ملت ستمدیده ایران را لگد مال
میکند.

در شرایطی که نا امنی، گرانی، بیکاری
و اختناق بیداد میکند.

و بالاخره در شرایطی که انقلاب بزرگ
ملت را از کلیه هدف‌های بنیادی خود منحرف
کرده‌اند از شما دعوت میکنیم که ۴ بعد از ظهر
روز دوشنبه ۲۵ خرداد ماه در گردهمایی و راه
پیمایی جبهه ملی بانگ اعتراض خود را بگوش
جهان‌یان برسانید.

م. آگاه

سرکوب قیام سر آغاز استبداد سیاه بود

سیاسی و اجتماعی باوجود
تمام مشکلات و موانعی که در
سر راه آن قرار داشت در عمق
جامعه ادامه یافت. از فردای
روز ۲۸ مرداد نهضت مقاومت
ملی که بلافاصله تشکیل شده

بود مبارزات مردم را رهبری
میکرد و اجازه نداد که حکومت
معبوت کودتا بی سروسامان
آرام امپریالیسم جهانی را در
میهن ماستقر گرداند و تسلط
استعماری را بنحو عادی در

شئون مختلف کشور برقرار
سازد. در آنزمان گرچه شاه
موفق شد امتیازات قابل
ملاحظه‌ای به بیگانگان بدهد
و حمایت کشورهای بزرگ
استعماری اعم از غرب و با

شرق را در پشت سر خود هم-
چنان نگهدارد ولی در زمینه
داخلی و مسائل اقتصادی
بخصوص جلب رضایت عمومی
با شکست‌های عمده‌ای مواجه
گردید. ادامه مبارزه مردم با
رهبری علنی جبهه ملی از سال
۱۳۳۹ ابعاد تازه‌ای بمبارزه
بخشید.

بقیه در صفحه ۳

فعالین آنرا در دخمه‌های زندان
محبوس نگهداشت و قدرت فعالیت و
رهبری مؤثر را از سازمان جبهه ملی
سلب کرد.

شاه برای موفقیت در سرکوب مردم
و کشتار ۱۵ خرداد و برقراری اختناق
و استبداد سیاه از مدتی قبل همه
رهبران و مسئولان جبهه ملی و بیشتر

سیاسی را تعقیب میکرد و در
برابر هر اقدام و مبارزاتی
که صورت میگرفت عکس‌العمل
نشان میداد با اینهمه شاموفق
مردم نگردید و فعالیت‌های

در روز ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲
شاه با یورش بنظارات مردم

در نقاط مختلف شهر تهران
به کشتاری که تدارک آنرا از
قبل سازمان داده بود دست
زد. قتل عام مردم در آنروز
و تعقیب و حبس و تبعید
مردم مبارز و بعضی از روحانیون
بزرگ که به صحنه مبارزه قدم
گذاشته بودند رعب و وحشت
سهمگینی در جامعه ایجاد
کرد که استبداد سیاه و حکومت
مخوف ساواک ظرف ۱۵ سال
بعد از آنو تسلط همه‌جانبه
محمدرضا شاه بر همه شئون
کشور از نتایج آن بود.

وسعت و اوج مبارزه مردم و
بن‌بست‌هایی که شاه در مدت
ده سال بعد از کودتای ۲۸
مرداد ۱۳۳۲ در برابر خود
میدید شاه را در موقعیتی
قرار داده بود که جز با یک
سرکوب خونین نمیتوانست
حکومت دیکتاتوری را استحکام
بخشد و امکان مبارزه را از
ملت سلب نماید. بعد از کودتای
۲۸ مرداد با آنکه تعقیب
مبارزان و اقدام علیه مردم و
سازمانهای سیاسی وسعت و
شدت فوق‌العاده داشت و
دستگاه فرمانداری نظامی تیمور
بختیار و بعد سازمان امنیت
با تجهیزات و امکانات فوق-
العاده رونق حرکت و فعالیت

استاد شیخ علی تهرانی در یک بیانیه مطرح کرد:

آقای مهندس بازرگان چرا از ابتداء قاطع نایستادید و یا بموقع کنار نرفتید تا ملت بداند با چه کسانی روبروست؟

بود که ما او را در این کار
مسئول شناخیم و در انتشار
آن مقاله و این مقال محکوم
کردیم و مورد نکوهش قرار
دادیم که چرا دارید برای

بسمه تعالی
چند روز پیش از طرف یکی
از هیئت سه نفره تازه پیدایش
یافته، صحبتی در رادیو و
تلویزیون منتشر شد که
محتوایش این بود که آقای
مهندس بازرگان خدمت آیت-
الله خمینی برای تعقیب مسئله
سیاسی‌ای که در روزنامه میزان
راجع بکنار رفتن یکی از دو
طرف مورد اختلاف و ترجیح
کنار رفتن دولت رجائی درج
شده رفت و ایشان وی را به
هیئت سه نفره ارجاع داد و
روح کلاش در حکمیتشان این

حزب توده خائن است نه مرام مارکسیسم

سرسپردگی و بی شخصیت تربیت
کرده بودیم، که در مقابل
ساخت و پاخت کشور محل
انگاز ما (شوروی) با شاه و
استرداد طلاها و تثبیت بنیه
اقتصادی رژیم کودتا و رفع
اختلافات قدیمی مرزی و ارائه
هرگونه همکاری با شاه برای
ثبات رژیم او، نفس یکی از
افراد حزب ما در نیامد...

حالا با این مقدمات ما
بایستی حزب توده را بگویم
که نقش دیرینه‌اش را دیگر
باره عهده گرفته و کمر به شکست
انقلاب خونبار و عظیم این
ملت بسته یا تفکر و بینش
مارکسیستی را؟ ما در تمام
فریادهائی که هنگام انقلاب
بقیه در صفحه ۲

او باشند با کاشانی و بقائی
و مکی، ما با کارشکنی‌های
مدام و تیرهای یک‌متری روزنامه
مردم و رهبر و سوی آینده
و دیگر جرایمان زمینه شکست
نهضت و سقوط مصدق را فراهم
کردیم، چرا با کمال شرمساری
اعتراف نمی‌کنید که ما خودمان
را و نسل جوان مظلوم تازه
بمیدان آمده بعد از شهریور
۲۵ را براهی انداختیم که
بیراحتی به سودای معاملات و
معدلات جهانی درآمد و
تسلیم سرنوشت‌های پیش‌ساخته
شده برون مرزی شد "حریف
دست‌از ایران بردارد و رقیب
دست‌از اروپای شرقی و کره!"
چرا به نسل خودتان اعتراف
نمی‌کنید که ما شما را چنان

که موافقت و سرودست -
شکست‌ناشان برای انعقاد قرارداد
تخت کافتارازده خیانت و
اشتباه بود - حرف شنوائی
کورکورانه از شوروی و قبول
سوزبردر کابینه قوام السلطنه
معامله منحوسی بود - صنعت
نفت جنوب ملی شود در مقابل
صنعت نفت در سراسر کشور
باید ملی اعلام شود شمار
خائنانه‌ای بود - ما انتظار
داشتیم بی‌پروا به اشتباهات
خود اعتراف میکردند تا راه
درخشندگی مبارزات و
مقاومت‌های طولانی خود و
دوست‌نشان را فراهم میکردند.
چرا اعتراف نمی‌کنند که مصدق
چرا به نسل خودتان اعتراف
در بار و عمالش عامل شکست

و آبادانی سرزمین ایران آن
مشترکات را زیر پرچم نظام
جمهوری اسلامی برآور کرد.
هرکس در این باره خدمت کرد
خادم است و شایستگی و
صلاحیت خدمتگداری و ایراز
لیاقت و شرکت در مسابقه خیر
در این نظام دارد. و هرکس
کر این راه سنگ اندازی و
مراحمت فراهم کرد خائن است
و سنگدل و بیچاره!
ما این بار تصور میکنیم
که دوستان حزب توده ما به
صحنه که بیایند با بندگرفتن
از گذشته و مستظهر به تجربیات
تلخ و شیرین که به سرشان
آمده نائب و شیمان از گذشته
صادقانه و واقع بینانه و بدون
از خودخواهی و نگر محوری و
هرگونه وابستگی به صحنه
خواهند آمد. آن مقاومت‌ها و
بامردیها و دانش‌های مبارزه
را در خدمت این کشور نگویند-
بخت بکار خواهند گرفت و
در این تجربه جدید که در
شکست استعمار در این
بار برای ملت ایران پیش
آمده آنها نیز سهم خود را
و جای خود را اختیار خواهند
کرد ما انتظار داشتیم آنان
برای تجدید حیات سیاسی
خود شجاعانه اعتراف کنند

در بخشی از فرمایشات
جناب آقای مهندس بازرگان
سرور محترم و عزیزم در
زنجان، بازمه خواندیم که
مارکسیست‌ها چنین و چنان
کردند و اینگونه خیانت‌ها را
به نهضت ملی و اینک به
انقلاب اسلامی پیش گرفته‌اند
و کاملا با تحلیلی که ذیل
این قضیه آوردند معلوم است
که همچنان بعقبه قدیمی
خود که کلماتی از قبیل استعمار
استعمار و دیگر عناوین اقتصادی
را از آفات توحید می‌شناسند
باقی هستند. در حالیکه اوایل
قضیه بی‌پهلو بود اینطور نیست.
ثانیا یک سخنرانی سیاسی
جدی روزی که با هزار زحمت
و ناامنی برایشان فراهم شده
باینگونه بحث‌های بنیادی که
بمنزله مقابله و مناظره مکاتب
فکری و اجتماعی بشری است،
کشادن صحیح نیست. ثالثا
انکار واقعیت و امکان توجیه
پایگاه نادانان چرا؟!
امروز این ملت مسائل
مشترکی دارد که باید همه
نیروها و امکانات را اولاً برای
کشف آن مسائل و استلانات
مشترک بسج کرد و در تانی
تکمک احیاء روحیه انسانی
مصلح‌همنوعی و نجابت انقلاب

صلاح الدین بیانی نماینده مجلس به اشغال مرکز جبهه ملی اعتراض کرد

بدون مجوز قانونی تصرف
میکند و با موجب هتک حرمت
نست به افرادی میشود که
نشریاتی آزاد بخش میکنند.
ایشان اضافه نمود که بعنوان
نماینده ملت تقاضا دارم که
مانع فعالیت این گروه‌های
فشار شوند.

کرد. آقای بیانی در بخشی از
سخنان خود گفت:
بر اساس اصل ۲۶ فعالیت
احزاب و جمعیت‌ها آزاد است
ولی عملاً عده‌ای که معلوم
نست وابسته به کجا میباشند
جلوی نشریاتی مثل جبهه ملی
را میکینند و با مرکز آن را

روز سه‌شنبه ۱۲ خردادماه
در جلسه علنی مجلس آقای
صلاح‌الدین بیانی نماینده
مردم خواف در نطق قبل از
دستور ضمن انتقادات اصولی
به اشغال مرکز جبهه ملی و
تهاجم به روزنامه آن اعتراض

برای نجات ایران و مبارزه با استبداد و وابستگی سازمانهای ملی، مترقی و آزادیخواه باید متحد شوند و مردم را متشکل کنند

تحلیلی بر لایحه قصاص درباره ایرادها و اعتراضاتی که بر لایحه قصاص وارد است باید کتاب‌ها نوشت

از نظر صراحت و قطعیت و روشن بودن قوانین جزائی
ماده ۷۵ لایحه قصاص ناقص است زیرا در ماده مذکور چنین
قید شده است "هرگاه شخصی یا بریدن گوش کسی شنوائی
او را از بین ببرد در این مورد دو جنایت واقع شده است که
تنها قطع گوش جانی کافی نیست" ماده مذکور به همین مقدار
اکتفا میکند و توضیح نمیدهد که در مورد جنایت دیگر بر عزم
آقای مقنن چه عملی باید انجام شود و چگونه باید شنوائی
جانی را از بین ببرد و این عمل را چه کسی و چگونه و با چه
وسیله باید انجام داد در اینجا نکته‌ای مورد توجه قرار
گرفت که حائز کمال اهمیت است باین توضیح که چون پس
از قصاص بین جانی که مورد قصاص قرار گرفته و مجنی علیه
که بنا بر مثال گوش یا دماغ یا چشم او کور شده تفاوتی
وجود ندارد مجنی علیه بدبخت را مردم عادی که از دور
می‌بینند پیام جانی میخوانند و چنین تصور میکنند که او
چون جانی بوده مورد قصاص قرار گرفته است، همین اشکال
در ماده ۷۶ و ۷۷ یعنی قطع بینی و لب و زبان نیز
وجود دارد.
بقیه در صفحه ۲

تحلیلی بر لایحه قصاص

بقیه از صفحه اول

در ماده ۷۸ موضوع دندان است که چنانچه دندان محمی علیه بطور معيوب درآمد جانی باید تفاوت بین دندان سالم و معيوب را بپردازد که تشخیص نوع عیب و مبلغ آن تفاوت معلوم نیست بعلاوه روشن نیست که اگر جانی قادر بر پرداخت تفاوت نبود با او چه باید کرد؟

ماده ۸۰ حاوی مطلب قابل توجه دیگری میباشد زیرا این ماده میگوید "هرگاه شخصی مثلا دست راست کسی را قطع کند مسواک دست چپ جانی را بعنوان قصاص قطع کرد گرچه با سوانق محمی علیه باشد" ایرادی که بر این ماده میتوان وارد داشت این است که چگونه اگر محمی علیه رضای بقصاص نماند قصاص از بین میرود و اصولا دست جانی قطع نمیشود ولی رضایت بقطع دست چپ جانی مورد قبول قرار نمیگیرد.

در تبصره یک ماده ۸۲ با آنچه در صدر ماده مذکور قید شده تضاد دارد مابین توضیح که صدر ماده قید شده "زنا در صورتی موجب حد میشود که زانی دارای اوصاف زیر باشد":

بلوغ - عقل - اخبار - آگاهی

طبق این ماده ناآگاهی موجب زائل شدن حد زنا میگردد بنابراین چگونه در تبصره یک عدم آگاهی موجب حد شناخته شده زیرا تبصره ۱ میگوید "هرگاه مردی حرام بودن ازدواج با زنی را نداند و احتمال حرمت آنرا ندهد و بدون پرسیدن حکم شرعی با او ازدواج نماید و دخول کند محکوم به حد خواهد شد"

زمانیکه شخص احتمال حرام بودن نمیدهد چگونه اقدام بسؤال خواهد کرد پس بهتر بود گفته شود در هر حال و هر صورت شخصی که میخواهد ازدواج کند باید از حاکم شرع حکم شرعی را سؤال کند.

راههای اثبات زنا در دادگاه

ماده ۸۵ - الف اقرار

"هرگاه مرد یا زنی چهار مرتبه اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر میشود"

نظر باینکه بعید است در این زمان افراد و اشخاص اقرار بزنا نمایند ثبوت زنا بوسیله اقرار غیرممکن خواهد شد بنابراین چنانچه فرض کنیم زنی مدعی شود فلان مرد با او زنا کرده است و مرد اقرار نکند از این طریق اثبات زنا یعنی از طریق اقرار غیرممکن است جرم ثابت شود و مرد می تواند زن را بنام مقتری تعقیب کند.

در ماده ۸۸ راجع باقرار توضیح داده شده است که "هرگاه کسی اقرار بزنا کند و بعد انکار نماید حد ساقط نمیشود مگر آنکه اقرار به زنائی کند که موجب حد رجم یا قتل باشد و سپس انکار نماید که در اینصورت حد رجم و قتل ساقط نمیشود"

اولا - در این ماده معلوم و مشخص نشده که ۴ بار اقرار کند یا سه بار یا دوبار یا یکبار

ثانیا - معلوم نیست در این مورد شاکي یا صاحب حق در مورد زن یا مرد باید شکایت نماید یا خیر و آیا اشخاص ثالث نیز میتوانند اعلام جرم کنند و این اشخاص اگر اعلام جرم کردند و منتهم به زنا چهاربار اقرار نکرد به اعلام کنندة جرم باید حد زنا ساقط میگردد یا نه؟ و بالاخره چگونه در مورد جرم خفیف انکار بعد از اقرار مورد قبول واقع میشود ولی در مورد جرم شدید انکار اقرار را زائل میسازد.

ثالثا - از جمله مذکور در این ماده (که در اینصورت حد رجم و قتل ساقط میشود) چنین مفهوم میگردد که حدود دیگر ممکن است با اجرا گذاشته شود ولی ماده معلوم و روشن نکرده است که آن حد یا حدود یا تعزیر چیست

در ماده ۸۹ اشکال دیگری بچشم میخورد مابین بیان که ماده ۸۹ میگوید:

"هرگاه کسی به زنائی اقرار کند که موجب حد است و بعد توبه نماید حاکم میتواند او را عفو کند یا حد بر او جاری سازد"

در اینصورت که حاکم او را عفو میکند حق شاکي و مدعی خصوصی چه میشود و اگر فرض کنیم مردی با زن شوهرداری زنا کرد و شوهر شکایت نماید و زانی نیز اقرار کرد و سپس توبه نمود ولی شاکي یعنی زوج از شکایت گذشت نکرد آیا عدم رضایت او اثری ندارد؟ مضافا بر اینکه ذکر نشده که زانی آیا چهاربار اقرار کرده یا کمتر و بعد توبه نموده است زیرا اگر کمتر از چهاربار اقرار کند حد از او ساقط میشود.

طبق دیگر اثبات زنا بطوریکه در ماده ۹۰ مقرر شده است که در ماده مذکور توضیح داده شده است "زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل یا دو زن عادل ثابت میشود - خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم"

اولا - در این ماده لازم بود حد جلد و رجم توضیح داده شود مانند معنی لغت ساهی هارل مذکور در ماده ۸۶ که برای فهم عمده آنها در قوانین جزائی باید روشن و مشخص شود برای توضیح - معانی این لغات ذکر میشود - ساهی یعنی سهو کننده که همان مشتبه باشد - هارل از هزل می آید و حد جلد یعنی تازیانه.

ثانیا - از این ماده روشن میگردد که شهادت هشت

یا هزاران زن کافی نیست و حداقل باید سه مرد شهادت بدهند تا حد جاری شود.

ثالثا - تشخیص عدل مشهور و گواهان چگونه است آیا فقط منوط بنظر حاکم است یا شایع و عموم و مردم .

رابعا - اگر بعدا ثابت شد یک یا چند نفر از گواهان عادل نبودند چگونه میتوان شخصی را که مورد رجم قرار گرفته و سنگسار و کشته شده نجات داد و این اشتباه را جبران نمود و آیا منتهم میتواند گواهان را جرح کند و باو فرصت داده میشود تا مدارک غیرعادل بودن یک یا چند شاهد را بحاکم تقدیم کند و اگر برای جرح شاهد و اثبات غیرعادل بودن گواهان تقاضای فرصت کند باو اجازه داده میشود برای آوردن مدرک برود و با اصولا چنین حقی باو داده نمیشود و احوق جرح و اثبات غیرعادل بودن شاهد را ندارد و آیا با شاهد دیگر میتوان غیرعادل بودن شاهد زنا را به اثبات رساند و آیا حاکم بشهود غیرعادل بودن شاهد زنا را اجازه شهادت میدهد و اگر این عمل مدتی بطول انجامد و یکی از شاهدان غیرعادل بودن شاهد زنا در مسافرت باشد فرصت حضور بان شاهد مسافر داده میشود یا نه؟

عدم اجرای این نکات دقیق و عدم قبول جرح شاهد چه بسا موجب صدور حکم غیرعادلانه خواهد شد در ماده ۹۲ شهادت زن و زنان مورد قبول قرار گرفته است زیرا در این ماده چنین آمده است "در مواردی که زنا فقط موجب جلد (یعنی تازیانه) بشهادت دومرد عادل و یا چهارزن عادل نیز ثابت میشود"

بطوریکه ملاحظه میشود در این نوع زنا شهادت زنها کفایت میکند و معلوم نیست چه علت دارد که در مورد رجم (سنگسار) شهادت هزاران زن سموع نیست.

مطلب مذکور در تبصره ماده ۹۲ بطور وضوح عدم قبول شهادت زنها را تصریح میکند هرچند یک مرد عادل هم شهادت بدهد و عجیب است که اگر تنها زن و یا یک مرد و چندین زن شهادت بزنا بدهند خود مورد حد افترا قرار میگیرند همین مجازات در ماده ۹۵ و ۹۶ نیز برای شهود مقرر شده است و با این مجازات چگونه اشخاص حاضر میشوند خود را در معرض مجازات قرار داده و شهادت بزنا بدهند

بخصوص در موقع و هنگامیکه هرچهار نفر شاهد حاضر نباشند و یکی از آنها در مسافرت باشد و یا حاضر به ادای شهادت نگردد مگر آنکه چنین تصور کنیم شهود قبلا باید با هم تبادل نظر و با بنایی کنند که کوچکترین اختلافی در گفتار آنها بوجود نیاید.

در ماده ۹۷ با زهمان اشکالات عمده از نظر جرح گواه یا گواهان و اثبات عادل بودن یا عادل نبودن آنها و سایر موارد ذکر شده در صفحات قبل وجود دارد و لازم بودن اجرای حد زنا فورا چه بسا موجب اشتباه میشود.

در ماده ۹۸ موضوع از دو جهت قابل بحث است در ماده اخیر چنین آمده است "هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط میشود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمیشود"

اشکال اول این است که اگر قبل از اقامه شهادت زانی یا زانیه توبه کنند یعنی اقرار بزنا نموده اند و اگر اقرار به زنا نموده باشند دیگر اقامه شهادت لازم نمی آید.

ثانیا - چگونه در مورد اقرار پس از توبه حاکم مخیر در عفو آنها و یا اجرای حد رجم میباشد ولی در این مورد قبل از اقامه شهادت اگر توبه کنند زنا ساقط میگردد و بعد از اقامه شهادت توبه آنها قبول نمیکردد.

در مورد ماده ۹۹ که مربوط است به مجازات اقلینهای مذهبی باین نکته برخورد میکنیم که در صورت ارتکاب جرم زنا از طرف دو نفر که هر دو از اقلینهای مذهبی هستند حاکم شرع مخیر و مختار است "در باره آنها با قوانین اسلامی حکم دهند و هم میتوانند آنها را به مراجع دینی خودشان ارجاع کند" اجرای این ماده نوعی کاپینولاسیون است زیرا مراجع دینی اقلینها چگونه درباره جرمی که در قلمرو یک کشور بوقوع پیوسته است حکم صادر خواهند کرد

اقلینهای مذهبی در موضوعات احوال شخصیه (ازدواج - طلاق - ارث و وصیت و غیره) تابع مقررات مذاهب خود میباشد نه در امور جزائی و جنائی زیرا در این قبیل موارد آنها نیز تابع حقوق جزائی هستند که در آن اقامت دارند بخصوص آنکه تابع دولت ایران میباشد و در حالیکه افرادی که تابع کشورهای دیگر میباشد در مورد ارتکاب جرائم تابع قوانین کشور ایران میباشد چگونه این اشخاص با وجود تابعیت ایران از این اصل کلی و قانونی و جهانی مستثنی شده اند.

در قسمت مجازات سنگسار درباره شخص زانی به نکته قابل توجهی برخورد میکنیم مابین توضیح، در بند الف قسمت دوم مقرر شده "زانی مرد محصن یعنی مرد جوانی که دارای همسر دائمی است و با او جماع کرده هر وقت بخواهد با او جماع کند میتواند موجب سنگسار است خواه با بالغ زنا کند خواه با نابالغ"

در این قسمت معلوم نیست مقصود از ذکر کلمه (جوان) چیست و ناچه سنی شخص جوان است و اگر پیر بود مشمول این ماده نمیشود (به چه علت) و مقصود از ذکر این جمله "هر وقت بخواهد با او جماع کند میتواند" چه میباشد زیرا مفهوم مخالف این شرح و توضیح ماده این است که اگر شخصی دارای زنی بود که هر وقت بخواهد با او جماع کند نتواند (با بیعت مسافرت یا کسالت و بیماری و یا بهر علت دیگر مثل فحش زنا بوجود بودن در منزل یا رفتن بخانه

آقای مهندس بازرگان چرا

بقیه از صفحه اول

کلمه با جناب آقای مهندس بازرگان و با کسانی است که در موضع ایشان قرار دارند. چرا از ابتداییکه دولت موقت را تشکیل دادید، قاطع نایستادید و در صورت کار-شکنی ها و سنگ افکنیها و قهرا عاجز ماندن از عمل بوظیفه که خود میگفتید چوب لای چرخ میکذارند و تیغه چاقو در چنگ آنها و دستش در دست ماست، کنار ترفند تا ملت بدانند که با چه کسانی روبروست؟

۲- چرا فعلا که در مجلس شورای اسلامی هستید، اینهمه خفت را تحمل میکنید و این

حزب توده خائن

بقیه از صفحه اول

میکردیم همه فرزندان این کشور را مخاطب میکردیم که سایر دعوتها و انگیزهها هر یک امتحان خود را در این کشور نگویند. داده اند و همه ناموفق و ناکام از میدان خارج شده اند این بار اسلام است که میبیند چه شکوفندگی و فراگیری همه جانبه دارد و ...

یادم می آید همراه حضرات علاءالدینی، رادینا و رضائی که بدین امام رفته بودیم طی چند گفتگوی عمومی که در پاریس و شهرهای آلمان و لندن با ایرانیها و دانشجویان پیش آمد، ما مخصوصا بهمین نکته تمسک می جستیم و انگیزه اسلامی را تنها انگیزه موفق و رهایی بخش برای حرکت و بسیج عمومی این ملت می خواندیم. در کلن با چه کوششی بروی تفکر جمعی از دانشجویان ایرانی برادران ایرانی خودمان اثر گذاشتیم همه! اینها برای این بود که اسلام را با آن تعریف می-شناختیم که معارض و مدعی تفکر دیگران نیست! اسلام برای نجات انسانها از: لخرج الناس من عبادم الناس الی مجارقه الله ومن جورالادیان الی عدل الاسلام...

آمده نه برای مزاحمت و نخطه افکار انسانها و مردم دیگر. اسلام آمده تا بسا آرمایشهای عملی و سعادت-آفرین چیزی ارائه کند که مافوق راه طی شده سایر دعوتها باشد.

بیاد دارم در منزل مرحوم حاج حسین آقا اخوان رحمهاله علیه که بضیافت مراجعت آقای بهشتی دعوت داشتیم و ۳۰ه چهل نفری از دوستان، که اغلب بحمداله زنده اند، نیز شریف داشتند (همانروز که خبر دستگیری مرحوم سعیدی را که مرگ و شهادتش منتهی شد همانجا به حاج حسین آقا تلفن کردند و این خود فصل مشیعی دارد) در مباحثهای که من با آقای بهشتی در زمینه کرامت و شخصیت انسان را آریاورد سفر کردم از جمله پرسیدم: شما در مقابل آن دسته از دانشجویان در خارج

پدر و یا ... در این موارد مرد جوان حق دارد زنا کند و بطور قطع چنین عملی در هر صورت جرم است.

در این قسمت بازکنه قابل توجهی از نظر حقوق جزا وجود دارد زیرا در حقوق جزا ارتکاب جرم نسبت به شخصی نابالغ موجب تشدید مجازات است در صورتیکه در این قسمت تفاوتی بین بالغ و نابالغ گذاشته نشده است.

بقیه این بحریه و تحویل را در شماره های آینده بخوانید.

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول

همه قانون کشنی ها را می بینید و در عین حال در میان آنها که اکثر آنها فاقد درک و ایمانند و با تقلبات فراوان بدانجا راه یافته اند، می نشینید و با کنار کشیدن آنها را در پیش ملت ابراز نمیدارید؟

۳- چرا با مراجعه اخیر به آیت الله خمینی و ارجاع وی به هیئت سه نفره، بایشان نگفتید: لاقول مراکه برگزیده شما برای اداره کشور بوده ام و برایم شعار میدادند: مهدی بازرگان، بازرگان مجری حکم قرآن، نیاید به غیر خود ارجاع دهید. آمده ام حقایق عینی کشور که مبارزه میکردند و مسلمان و ملی بودند که تکلیفشان روشن بود. در مقابل و در مقایسه دو دسته دیگر که یک دسته مبارزه میکردند و غیر مذهبی و مارکسیست بودند و یک دسته که اصلا گوششان به این حرفها بدهکار نبود و سرشان در آخورشان بود و در پی شهوات خود اعم از اینکه درس خوان بودند یا نبودند، مسلمان بودند یا نبودند، انکار نه انکار شاهی در ایران هست و اینهمه بدبختی برای هموطنانمان درست کرده! ایشان جواب دادند: چگونه ما این دو دسته را باهم یکسان بدانیم آنها را ما انسانهای برتر می شناختیم! حقا همینطور است چقدر آخوند و ملا دست شاه را بوسید و چقدر حاج آقا مذهبی و متعبد خدمت و ستایش طاغوت کرد. مگر خدا و حقیقت و سعادت انسانها ملاحظه بردار و قوم و خویشی بردار هم هست؟ دعوی ما دعوی مارکسیستی نیست دعوی خیانت است هرکس میخواهد باشد که در این برهه توده آنها این نقش را جانانه بعهده گرفته اند مگر یادمان رفته در جریان همین مبارزات مسلحانه چند سال پیش چقدر خود این آقایان علما چه خودشان مستقیما وجوهات شرعی و اعانات و کمکها به گروههای مبارز غیر مذهبی اهدا میکردند چه به ماها توصیه میکردند که ما را در دادگستری باشد و بیاد دست قضاات دادگستری را در انتخاب بازگذازد زیرا این احتمال خیلی زیاد است که کسی که مثلا یکسال بعنوان قاضی در دادگستری کار کرده باشد، قضاات او را شایسته تر از دیگران که چندین سال قاضی بوده اند، بدانند و خلاصه شورای عالی قضائی که این همه ناامنیها و مشکلات را برای مملکت و اسلام مبار آورده، از بیخ و بن برخلاف قانون اساسی تشکیل شده. چرا با ایشان این مصیبت بزرگ را در میان نگذازدید؟

۴- چرا با ایشان درباره فیصله دادن به همان موضوع که خدمتشان رفته بودید این مطلب را در میان نگذازدید که در شان نزول سوره "الکافرون" رسیده که عده ای از اشراف قریش نزد پیامبر اکرم آمدند و گفتند: قبایل اطراف همه

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه اول

بقیه در صفحه ۲

سرکوب قیام سر آغاز استبداد سیاه بود

آقای مهندس بازرگان چرا

بقیه از صفحه اول

جبهه ملی موفق شد علاوه بر مردمی که در مبارزات سالان دراز علیه استبداد و استعمار شرکت داشتند در شهرهای جدیدی از مردم نفوذ کند و آنان را در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی وارد سازد. ادامه و تکامل مبارزه و ناکامیهای شاه در اجرای برنامههای مختلف موجب آگاهی بیشتر مردم و وسعت و عمق مبارزه گردید. جبهه ملی در نخستین اقدامات جدید خود انحلال سازمان امنیت و اعاده حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی را سرلوحه برنامه خویش قرار داد و با تشدید فعالیت در زمینههای تشکیلاتی و تبلیغاتی و تعلیماتی به متشکل کردن مردم آگاه و متعهد و مساعد جامعه بخصوص جوانان پرداخت. جبهه ملی بخصوص این آگاهی را در قشرهای وسیعی از مردم بوجود آورد که مرحله اول مبارزه باید برای ساختمان نظام سیاسی مملکت بر مبنای حاکمیت ملت و دموکراسی یعنی آزادیها و حقوق سیاسی و اجتماعی مردم مصروف شود. مبارزه علیه استبداد وابسته و امپریالیسم مقدم بر مبارزه در سایر قلمروها محسوب گردد. اجتماعات وسیع و راف پیمائیهها و نشریات و مبارزات تبلیغاتی و خیابانی جبهه ملی موجب شد که اولاً رعب و وحشتیکه حکومت دیکتاتوری در مدت ده سال در مردم ایجاد کرده بود زایل شود و ثانیاً مردم مبارز با آگاهیهای بیشتری با مسائل سیاسی واجتماعی روبرو گردیدند. استقبال روزافزون مردم از مبارزات جبهه ملی موجب رشد سازمانی و وسعت تشکیلاتی فوق العاده جبهه ملی گردید و این سازمان سیاسی در برابر وظایفی که در آن برعه از زمان برعهده خویش احساس میکرد برای تنظیم صحیح خط مشی مبارزاتی و تعیین هدفهای سیاسی واجتماعی در همدورهها و آمادگی برای حمله نهائی به حکومت دیکتاتوری و وابسته شاه اقدام به تشکیل نخستین کنگره جبهه ملی در دیماه ۱۳۴۱ کرد. در این کنگره در کنار تصمیماتی که راجع به ایجاد تشکیلات مناسب با مرحله مبارزاتی نهضت ملی اتخاذ گردید دستور جبهه ملی حاوی اصول هدفها و اصول برنامههای جبهه ملی که ناظر بر خطوط کلی و جهت اصلی افکار و خط سیر اجتماعی سازمان سیاسی نهضت ملی ایران بود بنصوب رسید. در این دستور، جبهه ملی هدف خود را در قلمرو سیاسی تقویت مبنای دموکراسی و تأمین حقوق و آزادیهای ملت ایران اعلام کرد و به اجرای اصول قانون اساسی آن زمان که حاوی حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و سیاسی ملت ایران بود اصرار و تأکید ورزید علاوه بر این در مورد کلیه مسائل مطروحه در جامعه از جمله راجع به نظام اداری و امنیت قضائی و نیروهای نظامی و انتظامی و امور فرهنگی و دانشگاهی و ورزش و بهداشت و تبلیغات ملی و مسائل اقتصادی اعم از صنعت و کشاورزی و معادن و سیاست مالیاتی و امور پولی و بانکی و اعتباری و سیاست خارجی کشور و روابط بین المللی و بخصوص همبستگی بین المللی برای مبارزه جهانی علیه استعمار نقطه نظرهای خود را بطور روشن و مشخص تعیین و اظهار نمود.

شاه که خود را در برابر یک سازمان مترقی و آزادیخواه و ضد استعمار و منکی به ملت و مجهز به یک برنامه همه جانبه در شئون مختلف مشاهده کرد و موقعیت خود را متزلزل و درخطر دید و موجه شد که حکومت و استبداد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روبرو است و زندان و حبس و تبعید مبارزان دیگر نمیتواند بعنوان تنها راه حل اجتماعی محسوب شود. با حمایت و اخذ تصمیمات لازم از حامیان استعماری خود به حیل و نیرنگ دست زد و با ارائه یک برنامه ظاهراً انقلابی خود را حامی مردم محروم و زمینگیر معرفی کرد و با دعوت مردم برای شرکت در فراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ از آنان خواست که به اصلاحات اجتماعی پیشنهادی او در همه زمینههای اعم از کشاورزی و زمین صنایع و غیره رای دهند. شاه حتی تقابل را با آنجا رساند که بعضی از مفاد دستور جبهه ملی را در برنامه اصلاحات خود وارد ساخت و میخواست وانمود کند که اگر ملت خواهان اصلاحات و تغییرات اجتماعی بنیادی است خود او بیش از همه و پیش از سایرین آماده و حاضر برای اقدام به چنین اصلاحاتی است. شاه با ارائه برنامه اصلاحات درصدد برآمد که حمایت قشرهایی از مردم را بسوی خود جلب کند و جبهه ملی را از صحنه خارج سازد و خود را از بن بستهایی که دچار شده بود برهاند و رژیم خفقان و استبداد را با خشونت بیشتر بر مبنای ما مسلط گرداند. این روش همه دیکتاتورهاست آنان در شروع بکار و یا در هنگامیکه با بن بست مواجه میشوند به حیل و نیرنگ متوسل میشوند، با عناوینی مردم فریب به میدان میآیند، وعدهها میدهند، احساسات را بر میانگیرانند و مبارزان و شخصیتها و سازمانهای مردمی را از میدان بیرون میکنند تا نتوانند بآمدهای اقتدار خود را مستحکم سازند. وقتی شاه در بهمن ۱۳۴۱ به این حیل دست زد جبهه ملی بدقیله برخاست و با طرح شعار اصلاحات آری، دیکتاتوری ند! در برابر نوظئه شاه در مقام آگاهی مردم برآمد. جبهه ملی با انتشار بیانیهها و توضیحات شفاهی در مجامع مختلف اعلام داشت که برنامه اصلاحات شاه فریبی است برای استقرار رژیم دیکتاتوری و استبداد وابسته. هیچکس با انجام اصلاحات مخالف نیست ولی اصلاحاتی واقعی است که در اوضاع و احوالی انجام گیرد که ملت امکان اظهار نظر داشته باشد و حقوق و آزادیهای ملت

رعایت شود و اقتدار حکومت ناشی از مردم باشد. اصلاحاتی که بمنظور تحکیم پایههای دیکتاتوری مطرح کردد دایمی است که برای تسلط بر ملت کسرتورده شده و مردم آزاده و میهن دوست نباید آن گرفتار آیند. شاه که خود را در برابر استدلال و آگاهی جبهه ملی ناتوان دید قبل از انجام فراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ به این سازمان سیاسی هجوم آورد و اعضای شورای مرکزی و هیئت اجرایی و همه مسئولان و هر تعداد از فعالین آنرا که نواست برندان افکند و همه زندانیهای تهران و سراسر کشور را از این مبارزان راه آزادی و استقلال میهن لبریز ساخت. شاه با دادن وعده و وعید و هرنههای بسیار و تبلیغات وسیع نواست قشرهایی از مردم را که ناآگاه بودند و یا بمنافع زودگذری قانع و یا آنکه مرعوب دستگاههای پلیسی و اطلاعاتی حکومت شده بودند بظرف خود بکشاند و اجتماعات و میتینگها و تظاهرات متعددی در تهران و شهرستانها با حضور گروههای کثیری تشکیل دهد و با همکاری سازمانهای اطلاعاتی کشور- های استعماری به مانورهای تبلیغاتی و سیاسی متعددی در سطح کشور با انعکاس جهانی وسیع دست بزند. جالب آنکه همان عناصر و افرادیکه امروز بانوسل به توجیه ضد امپریالیستی عناصر ارتجاعی و احمقانه حکومت را نمایند و تقویت منماینند در آزمون نیز بعنوان آنکه برنامه شاه موجب تضعیف طبقات و استثمارکننده میشود به تأیید برنامههای شاه پرداختند و ماهیت فاسد و استعماری و وابسته و استبدادی این عنصر پلید را از یاد بردند. در برابر این هجوم و این همگامی روحانیون بصورت وسیع تری بمقابله با شاه پرداختند. لازم به یادآوری است که جمعی از روحانیون آگاه و مترقی از سالها قبل همواره در صفوف نهضت ملی ایران حضور داشتند و همواره همه مبارزان یکی از عوامل عمده مقاومت و پیروزی مردم بودند. در سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ نیز بعضی از آیات عظام در هر فرصت به تقویت مبارزه ملت میپرداختند و با صدور اعلامیههای موقیبت جبهه ملی و مبارزه علیه استبداد و استعمار را تقویت میکردند. کرجه وسعت حضور روحانیون در صف مبارزه در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ بیشتر بکوان مخالف با شرکت بانوان در انتخابات و تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی بود ولی این حضور و مشارکت و دخالت با استقبال همه مبارزان و سازمانهای سیاسی درگیر با رژیم شاه روبرو شد و این امر را موجب تقویت نهضت و مبارزات دانستند و آن اهمیت بسزائی دادند. ولی شاه که از موقیبت در برگزاری فراندوم سرمت شده بود به آن موقیبت بس نکرد و به نوظئههای جدیدی پرداخت. با آنکه موقیبت و حبس رهبران و مسئولان جبهه ملی به پناه جلودگی از اخلاص در فراندوم بود پس از پایان فراندوم نه تنها آنها را آزاد نکرد بلکه بدتعقیب و توقیف بیشتر سایر مسئولانی پرداخت که مبارزات مردم را از طرف جبهه ملی رهبری میکردند. از اوایل سال ۱۳۴۲ بعلم بازداشت همه رهبران طراز اول جبهه ملی رهبری مبارزات از طریق کینه اسنان تهران بوسیله مسئولان سازمانهای مختلف جبهه ملی انجام میگرفت و هر زمان که مسئولی بازداشت میشد نفر بعدی از همان سازمان جای خالی او را در کسبه اسنان اشغال میکرد. بدین ترتیب مبارزات جبهه ملی هیچگاه موقوف نشد و تا ۱۵ خرداد و حتی بعد از آن نیز ادامه یافت ولی بعلم آنکه همواره رهبران و مسئولان اصلی در زندان بودند رهبری موثر جبهه ملی از اوایل سال ۱۳۴۲ برقرار شد و در نتیجه دستگاه شاه نواست به نوظئههای برای سرکوب مبارزان دست زد و با ایجاد رعب و وحشت و هراس قدرت و سیطره شیطانی خود را در سراسر کشور ایران مسئولی سازد. در روز ۱۵ خرداد افراد و عناصری که بدون شک از طرف دستگاههای وابسته به شاه تعلیم دیده و با ماموریت داشتند با طرح شمارهها و نوسل به تبلیغاتی زمینه را برای عکس العملهایی که از قبل تدارک دیده شده بود فراهم ساختند و شاه نواست بهانههای لازم را برای کشتار مردم بیگناه و مبارزان مردمی بدست آورد. بعد از کشتار ۱۵ خرداد برس و وحشت سراسر کشور را فرا گرفت و با توسعه و افزایش روشهای تعقیبی امکان فعالیت سیاسی و اجتماعی روز بروز کاهش یافت.

با اینهمه شاه حاضر به آزادی رهبران و اعضای جبهه ملی نشد و بعد از شهریور یعنی ناهدود چهارماه پس از آن کشتار فجیع و نا موقی که از استبداد و وحشت و ترس بر سراسر جامعه مطمئن نشد با آزادی رهبران و فعالین جبهه ملی موافقت نکرد. شاه با بهره برداری از کشتاری که در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بان دست زد و ادامه همان شدت و خشونت رژیم استبداد مطلق را در کشور مستقر ساخت و مدت ۱۵ سال ساراج مملکت و خفقان ملت پرداخت و موقی که در همه برنامههای خود بخصوص برنامه کشاورزی با شکست مواجه شد و مابین دلیل و دلایل دیگر ادامه حکومت او ممکن نبود انقلاب ملت سلطه و استبداد سیاه او را وازگون ساخت. در ذیل دو نمونه از اعلامیههای کینه اسنان جبهه ملی ایران را یکی در فروردین ماه ۱۳۴۲ قبل از قیام خویشین ۱۵ خرداد و یکی بمناسبت یادبود سی و نهمین سالگرد ۱۵ خرداد ۱۵ خرداد منتشر گردید و طرز فکر سیاسی جبهه ملی را در آن سال نشان میدهد جهت آگاهی سلسل جوانان استعمار سدهم.

بقیه از صفحه ۲

بخانه خدا می آید و نذورات می آورند و در اثر فروش اجناسشان با و خریدشان اجناس ما را در ایام حج، منافع سرشاری نصیب ما میشود بیا باهم سازش کنیم و یکسال توتهای ما را پرسش کن و یکسال ما خدای نوری پرستیم. دست از این نزاعها برداریم و این منافع سرشار را باهم بخوریم و نزاع ما سبب نشود که از میان برود. در پاسخ آنها خدایتعالی به پیامبرش دستور داد بآنها بگوئید: نه من بنان شما را عبادت میکنم و نه شما خدای مرا یعنی راه دوتا است من هدفی دارم و شما هدفی نزار بر سر ریاست و منافع مادی نیست تا سازش امکان داشته باشد و هیئت برای آن تشکیل گردد. درسی که ما از این سوره باید بگیریم اینست که اگر راه و هدف دوتا شد، باید صحت یکی از آن دو را تشخیص داد و دیگری طرفدارش را طرد کرد نه آنکه میان طرفداران آن دو با تقسیم قدرت و ریاست و شرف سازش برقرار کرد و قهرا پدر ملت و مملکت و دین را در آورد. تعجب میکنم چطور بعضی که سالهای متمادی مطالعات فلسفی و عرفانی و تفسیری و فقهی داشته چنین روشی را برگزیده؟

جناب آقای مهندس بازرگان که خدمت آقای حبیبی رسد چرا مسئله جنگ را در میان نگذاشت و از تلفهای انبوه جانی و مالی و خسارهای عمومی و میلیونی و خرابیهای بی حد و حصر و سایر مفاصدهای که در پی جنگ آمده، سخنی بمیان نیاورد؟ و نپرسید که بالاخره چه میخواهند بکنند؟ مگر ندیدند که ادامه جنگ چرکنار بیشتر و بی سرو سامانی

استقرار حکومت قانونی هدف جبهه ملی ایران است
سراسر خاک وطن در آتش استبداد میسوزد
ملت حکومت دیکتاتوری را تحمل نمیکند

مردم شرافتمند ایران

سراسر خاک وطن در آتش استبداد میسوزد. لیب آتشی که از کانون حکومت دیکتاتوری زبانه کشیده شهرهای تبریز - مشهد - قم و نواحی وسیعی از مملکت را در شمال و جنوب درگام خود فرو برده است. آسایش و امنیت از جمیع افراد و صفوف و طبقات اجتماع سلب شده است. دستگاه فاسد حاکمه که تمام نیرو و سازمانهای آن بصورت ابزار کار شخصی در اختیار شاه قرار دارد بی پروا بقتل و زجر و شکنجه مردم پرداخته است. طرف مدتی کمتر از دو ماه چندین یازشهر آرام و مردم بیگناه قم مورد یورش و هجوم گماندوها و سایر ماموران دستگاه حکومت قرار گرفت و مساجد و مدارس و کتابخانههای آن بغارت رفت. عدهای مقتول و جمعی کثیری مضروب و مجروح شدند. گماندوها و ماموران سازمان امنیت با لباس مدول و درمعبت و پشتیبانی پاسانها و شعار "جاویدشاه" مدرسه قیضیه را غارت و مردم و محصلین را شدیداً با صلاح سرد و گرم مضروب و مجروح نموده و اطفال شانزده هفده ساله را از پشت بامها پرت کردند و فاجعه اول بهمن دانشگاه تهران را در شهر قم تجدید نمودند. در سایر شهرها نیز وضع از همین قرار است. در تبریز با گلوله و آتش باستقبال مردم رفتند و جمعی را مجروح و مقتول کردند. سانسور شدید اخبار و مطبوعات مانع از آن شده که مردم شهرهای مختلف بتوانند از وضع سایر همسپهان خود در نواحی و شهرهای دیگر مطلع شوند. کسی نمیداند در جنوب چه خبر است و این کشت و کشتارها برای چیست؟ قشونکشی و حرکت دستههای جنرباز و گماندو و سایر ماموران بشیراز و نواحی مختلف استان فارس برای چه مقاصدی است! در حال حاضر توجه متصدیان امور مملکت معطوف باین امر است که کسی از حوادث و وقایعی که در کشور روی میدهد مطلع نشود. بقیه در صفحه ۴

انبوه تر و ویرانیهای افزون تر به یک گروه کنید، میانشان را در پی نمی آورد. مگر قوا را اصلاح نمائید. بی شک خدا متمرکز کردن در یک محل و عدالت گران و مساوات گستران حمله نمودن و عقب زدن آسی را (که در گفتار و در رفتار طرف مقابل و اسیر نمودن و رعایت قانون عدالت و بی نظری کشتن عدهای از آنها و سپس را مینمایند) دوست میدارد. مورد تهاجم نیروی اصلی این مطلب بدیهی است که هرگاه دو گروه باهم اقدام به جنگ کنند، یا هر دو یا یکی از آن دو منجاول هستند زیرا از آن دو منجاول هستند زیرا اگر هیچکدام، منجاول نباشند از دست دادن، کاری از پیش میرود؟ مگر همین تبه الهاکبر و سر مرز خود راه بروند، را چندبار مردم از وسایل جنگی واقع نمیشود پس آیه شریفه در موردی نازل شده که با هر دو گروه منجاولند و یکی از دو گروه منجاولند و در عین حال دستور داده جنگ متوقف شود و مسلمانان دیگر پادرمیانی کنند و بر میزان عدالت و بی طرفی حکم کنند و مطابق آن حکم میانشان سازش دهند.

ع- چرا از ایشان خواست که جلو انتشار این بدعتهای بی دربی را (از وسایل ارتباط جمعی) بگیرد که یکی از آنها این است که تبلیغ میکنند: فتوایان در مسائل فرعی آزاد است ولی حکم دادن تنها انحصار بمقام رهبری دارد و یکی دیگر از آنها این است که تبلیغ میکنند که فتوا غیر از حکم است و در حکم باید تمام مردم حتی مجتهدان دیگر هم از رهبر تبعیت کنند.

چرا حال احوال ارشاد نکرده اند که د. مسائل فرعی، عدهای از مجتهدان گفته اند، تقلید اعلی، لازم است ولی در احکام حکومتی باتفاق همه آنها که قائل بولایت فقها هستند، اعلیست یا رای دادن مردم شرط نیست و تمام مجتهدان عادل، حکام شرعیند و بر هر کدام تبعیت از حکم دیگری در صورت علم نداشتن به اشتباهش لازم است و حتی خود ایشان در تحریر الوسیله و در کتاب ولایت فقیه فتوایش همین است.

و ضرورت دین بر این است که در معصیت خدا نمیتوان اطاعت از مخلوق نمود پس چرا نمیگویند که وجوب پیروی از حکم فقیه در صورتی است که مکلف نداند که فقیه اشتباه کرده و برخلاف واقع حکم داده و سایر الشعه در کتاب قضا روایاتی نقل کرده که نبی اکرم فرمودند: من بشری هستم و مطابق آنچه برام احراز میشود حکم مینمایم. در هر مورد دیدید حکم من برخلاف واقع است، مطابق واقع رفتار کنید و اگر مطابق حکم من در آن صورت رفتار کنید، پاره آتشی بشکم شما افتکندهم و مشهور فقها گفته اند که اگر حکام شرع دیگر احراز کنند که آن حاکم شرع در مستند حکم خود اشتباه کرده، علاوه بر آنکه نباید بدان رفتار کنند، میتوانند حکم او را نقض کنند و آن نقض را برای مردم اعلان نمایند. این آئین مقدس اسلام است و این دادگاههای حاکم را خدا و حکم خدا معرفی میکنند و نمی اندیشند که با این ادعای دروغ، اعتقاد مردم را از خدا و دین سلب مینمایند.

مشهد مقدس - علی نهرانی
۶۰/۳/۶

حزب توده خائن است نه مر ام مار کسپیم

بقیه از صفحه ۲
قدر همان فریاد مشترکی
کرامت و شخصیت انسان این است که همه خیرخواهان و
نیست که مثل من فکر کنند، انساندوستان از آغاز تاریخ از
کاری نداریم که حرف دیگران هابیل و قابیل سردادند؟
قدر صحیح و قدر غلط و اینک نیز از این قاعده عمومی

سر کوب قیام سر آغاز استبداد سیاه بود

بقیه از صفحه ۳
حقی خسرکاران خارجی نیز تحت فشار قرار دارند و اخبار
آنها بند سوز سوز است. ولی با همه این احتیاطها
بردهای را که دستگاه حاکمه از آهن و آتش ساخته است از
هم دریده شده و مردم در داخل و خارج کشور کم و بیش
از وضع غیرعادی سلطه مطبق شده اند و هر روز اخبار
نازهری از کس و کسار و نسل و غارت بگوش می رسد.
جمع مردم مملکت از روحانوس گرفته تا دهقانان و کارگران
در وضع نامطلوبی بسر میبرند. زندانها از مجاهدان راه
حق و آزادی اساسه شده است. خانههای افراد مورد
اعتماد مردم در محاصره دانی ماموران سازمان امنیت
است. رهبران جبهه ملی همچنان در زندان بسر میبرند و
هر روز که میگذرد خانههای عده کثیری مورد یورش و بازرسی
قرار میگردد.

اسدالله علم یعنی کسی که بناحق و برخلاف قانون
مقام مسئول ریاست وزراء را اشغال کرده است مانند یک
نوکر خانهداد و گوش فرمان شاه میکند و همکاران بی-
شخصیت و نوکرصفت او مانند فزاشان و عملجات خلوت هر
چه فرمان بگیرند اجراء میکنند. دستگاههای رادیو بصورت
بلندگوهای شخصی شاه بنحو سبذلی شب و روز مشغول
شناخوانی شده اند و بانام قوا میکوشند حقایق را وارونه
جلوه دهند. روزنامهها که بصورت مدحنامههای درباری
درآمده اند جرات درج کوچکترین خبری درباره قتل و کشتار
و سایر جنایاتی که مملکت را بهیجان آورده ندارند. دستگاه
حاکمه با وسایل تبلیغاتی وسیعی که در اختیار دارد میکوشد
فجایع و اعمال خلاف قانون خویش را توجیه نموده بآن
جنبه اصلاح طلبی بدهد. دستگاهی که با کودتای ننگین
۲۸ مرداد بروی کار آمد و ظرف ده سال حاصل کار خود
را نشان داد اکنون برای ادامه حیات لباس اصلاح طلبی
برتن کرده است. غافل از اینکه افکار عمومی جهانیان
بخوبی متوجه است که حقیقت موضوع عبارت از مقاومت
وسیع و همه جانبه ملت ایران در برابر حکومت دیکتاتوری
است. اکنون همه میدانند که ملت ایران در برابر دستگاه
فاسد و جابر استبدادی بپا خاسته است و حاضر نیست
بیش از این بفق و مذلت و تعدی و تجاوز تن در دهد.

ورشکستگی اقتصادی - غارت اموال عمومی و دزدی
و اختلاس و چپاول درآمدهای ملی و فقر و فاقه توأم با
استقرارهای سنگین از خارجه که همه بجیب عده معینی
ریخته شده است - قتل و غارت و حبس و شکنجه و تبعید
مردم سرانجام ملت ایران را بستوه آورده و اکنون در
آغاز سال نو دستگاه حاکمه که باد کاشته است ناگزیر باید
طوفان درو کند. دهقانان تیره بخت ایران که سالیهای
سال در زیر فشار استثمار و هیبت حاکمه و سرنیزه زاندارم
قرار داشته اند و باید حاکم بر سرنوش و مالک دسترنج
خویش باشند همچنان سرنیزه زاندارم و فشار دستگاه
حاکمه را برگردن خود باشند بیشتری احساس میکنند.
کارگران تهیدست و زحمتکش مملکت در اثر فشارهای
گونگون در شرایط اسفناک بسر میبرند. سیاست اقتصادی
دستگاه حاکمه که عالما عابدا میلیونها دلار ذخایر ارزی
ایران را بهدر داد و باگشودن درهای کشور بروی مصنوعات
خارجی و ورشکست ساختن صنایع جوان مملکت بیکاری را
سرعت توسعه داده رستههای فعالیت اقتصادی را بحال
نیمه تعطیل درآورده است. گروه گرو کارگران بیکار و آواره
کوچهها و خیابانها میبشوند و در چنین حالی باستناد
رفراندم غیرقانونی مختصر صنایع دولتی ملت در معرض
خصر تبدیل صنایع خصوصی و وسیله استثمار بیشتر
کارگران قرار گرفته است. بازاریبان و اصناف که در
گرداندن چرخ اقتصاد کشور نقش موثری دارند زیر انواع
فتنارهای ازبای درآمده اند و کساد کار تجارت بجای خطرناکی
رسیده است. سازمانهای فرهنگی مملکت نیز پایهای همین
اوضاع دچار وضع نامطلوبی شده اند. دانشگاههای مختلف
بی دربی مورد هجوم قرار میگردد. دانشگاههای شیراز و

تبریز بدستور دولت تعطیل شده است و مدرسه علوم دینی
قم بدست ماموران دولتی غارت گشته است و جمع کثیری
از دانشجویان مبارز تهران - تبریز - اصفهان و قم و
شیراز زندانی شده اند. در چنین شرایطی است که مقاومت
مردم در برابر حکومت استبدادی بار دیگر بشکل وسیع و همه
جانبه در سراسر کشور ظاهر گشته است و در برابر آن حکومت
استبداد دست باسلحه برده و بخمال خود میخواهد با
آتش و خون مقاومت مردم را درهم بشکند - مردمی که
همه چیز خود را از دست داده اند و آینده تاریکی آنها و
فرزندانشان را تهدید میکند. دستگاه حاکمه در برابر جنبش
عمومی مردم بی دربی دستهای کماندو و چریک بنواحی
مختلف کسبل میدارد و سخاوتمندانه میلیون میلیون بوسیله
سازمان امنیت مصرف میسازد تا بخمال خود راه را بر ملت
ببندد و دیکتاتوری فردی را بر روی اسنخوهای مردم
شرافتمند ایران استوار سازد. برای رسیدن چنین هدفی
بوده است که در سالیهای اخیر قسمت بزرگی از بودجه

و اجتناب ناپذیر حیات انسان
بدور نیست! .
چگونه انکار مارکسیسم
شناخته شده است. و با
میکنیم درحالی که نیمی از
خاکی را علی الظاهر پیروان
وارد و ناصحیح و عامیانه
مسلمانهای شناسنامه ای هستیم.
شما می بینید حتی مثل منی
هم بعد از ۳۰ سال فریاد
اسلام امروز معلوم شده اصل
مسلمان و مکتبی نیستیم
بس کنیم نگذاریم این جاهل
بازیها بیش از این برای
هزارمین بار این ملت را بنا
کامی و تباهی و نکبت بکشاند
واقع بینی و تسلیم با
واقعیت های موجود چگونه
ما اجازه میدهد که حض
مارکسیست و مارکسیسم
در میدان ظهور و بروز اندیشه
در این سرزمین منکر شویم
بد یا خوب تفکری است. اگر
میخواهیم به تفکر ما احترام
بگذارند تفکر سایرین احترام
بگذاریم. قدر توی همیست
پیرامونیان من و شما قوم
خویشهای من و شما آدمهای
که دنیا را و سرنوشت حاکم
به جهان را با آن تعریف
می شناسند فراوان اند مگر
میتوان منکر واقعیت شد. ما
متاعی ارائه کنیم که آنها
عاجز از رقابت باشند!!!
آقای مهندس بازرگان قدر
بچه های پیرامون شما و مور
صمیمیت و محبت شما نمازخوان
و متعبد بودند و بعد مارکسیست
شدند. شما خوب میدانید که
جستجوی راه حلی برای همین
دردهای نجات بشر آنها را
باین دامها انداخت. چرا
بجای چاره جوئی فحش
دشمن و جاهل بازی؟!
بنظر من این بحث مهم
جالبی است و کاشکی از روزهای
اول ما را گرفتار و سرگرم
بدبختی های دیگر و شعارهای
عاری از شعور نمی کردند که
این حرفها را میزدیم و امروز
چهره اسلام مظلوم چنانکه
مکتب رهائی بخش و سعادت
آفرین انسانها است از گرد و
غبار تاریخ بیرون آمده بود.
و بازار خیلی از مدعیان چپ
و راست را از رونق انداخته
بود. چنانکه فریادهای میرزا
تقی خانها، سید جمالها،
علمای مشروطه خواهها، کوچک
خیابانیها، مدرسه ها، مصدقها
شریعتیها و طالقانیها این
هنر را داشت.
اجازه بدهید این بحث را
دنبال کنیم و از یاد نبریم که
مارکسیسم اعم از اینکه علم
باشد یا نباشد یک مکتب است
و در پیته گسترده جهان ما
پیروان بشمار دارد و در کشور
ما نیز هواداران و معتقدینی.
جنگ ما با آنها در حوضه
برخورد اندیشه است و بی
خیلی هم سخت و بی امان
است ولی حزب توده را بر اساس
تجاری که داریم یک گروه
اشباه کار مندوم و لجاجت که
جز به خیانت و دشمنی با
مصلح مردم این سرزمین
تعبیری و معنای نمیتواند
داشته باشد و بار دیگر درگیری
با آنها بانام ابعادیه ملت ما
مناسفانه تحمل شده است،
می شناسیم. انشاء الله باقی
صحبتها در مقالات دیگر.
با احترام - هیجدهم فروردین
ماه ۱۳۶۰

پیروز باد مبارزه ملت ایران در برابر دستگاه استبداد
واژگون باد بنای دیکتاتوری.
موفق باد مبارزه دهقانان - کارگران - پیشهوران -
دانشجویان - فرهنگیان - بازاریبان - و روحانیون ارجمند
بر علیه دیکتاتوری و استبداد.

سازمانهای جبهه ملی ایران - استان تهران
فروردین ماه ۱۳۴۲

سی ام تیر روزنظاره علاقه و اعتماد ملت به جبهه ملی ایران
و رهبر ارجمند آن دکتر محمد مصدق است

ملت ایران حکومت استبداد را واژگون میکند.

هموطنان شرافتمند - یازدهمین سالگرد سی ام تیر -
انقلاب بزرگ و شریخش میهن ما و شرایط دشوار تسلط
جابرانه استعمار و استبداد برقرار میشود.

دوازده سال پیش در چنین روزی ملت ما بخاطر
ادامه مبارزه ضد استعماری و حفظ پیروزیهای بزرگی که
تا آن روز در نتیجه مبارزات جبهه ملی ایران برهبری
داهیانه پیشوای عالیقدر خود دکتر محمد مصدق بدست
آورده بود علیه ادعای غیر قانونی و اخلاکرانه شاه به
داشتن حق فرماندهی کل قوا و حق عزل و نصب وزیران
و بطور کلی حق مداخله در همه شئون مملکت که نتیجه آن
اشاعه فساد و ششنی با مبارزه بزرگ ملت و خیانت به
حیثیت و سر - هر ایرانی وطنخواه و پایمال ساختن همه
حقوق ناشی از اصول روشن قانون اساسی و متمم آن بود
بپاخاست دستگاه حاکم با آمادگی قبلی پس از محاصره
تهران بوسیله نانکها و زره پوشها و سربازان مسلح بکشتار
مردم بی سلاح پرداخت این کشتار وحشیانه و مقاومت در
سراسر کشور جنگهای انقلاب مشروطه را در خاطر ملت ما
زنده کرد و در جوانان و مبارزان راه استقلال و آزادی
ملی روح پایداری و جانفشانی را هرچه عالی تر و امیدبخش تر
برانیخت.

پایداری و فداکاریهای ملت در سی ام تیر خونهاییکه
در آنروز بخاطر بازگشت حکومت محبوب ملت و صیانت از
حقوق ملی و استقلال این مرز و بوم ریخته شد نشانه عمق
و نفوذ اصول فکری جبهه ملی ایران و علاقه با آزادی و استقلال
ملی در نهاد ملت ما است. سرانجام شاه اضطرار از برابر
اراده ملت عقب نشست و هنوز آفتاب روز سی ام تیر برپیکر
خونین شهیدان پروتاکن بود که رهبری ملت تسلیم شاه و
بازگشت حکومت ملی را نوید داد و استقرار مجدد حکومت
ملی با پیروزیهای نوین در صحنه سیاست بین المللی همراه
شد. مسلما چنین واقعتی برای استعمار و دستیاران ایرانی
او تحمل پذیر نبود استعمار تمایلات استبدادی را بعنوان
محکمترین پایگاه برای سرکوب نمودن مبارزات ملت ایران
برای خود برگزید.

کشمکش که همواره از جانب استعمارگران و نوکران
داخلی آنها دامن زده شد باجناد وقفهای در راه آزادی
و استقلال ملی انجامید این وقفه هنوز هم ادامه دارد
همچنانکه مبارزه ملت ما برای بدست آوردن حقوق از دست
رفته خویش ادامه خواهد یافت.

هموطنان شرافتمند - سی ام تیر اسامال در سایه
سرنیزه های شاه و در شرایطی که شش ماه از زندانی بودن
رهبر ارجمند جبهه ملی ایران میگذرد درحالیکه لشکر
گارد شاهنشاهی کشتار جدیدی چون ۱۵ خرداد را در
پس سر نهاده و به بند کشیدن مرجع تقلید شیعیان حضرت
آیت الله روح الله موسوی الخمینی و سایر روحانیون ارجمند
پرداخته و درحالیکه دستهای قضایان حکومت کودتا موقوف
بخون مردم ستمکش میهن ما آلوده است و در حالیکه هنوز
مادران داغ دیده بسیر در جستجوی نشانی از عزیزان از
دست رفته اند سپری میشود جبهه ملی ایران ادامه تسلط
جابرانه و غیرقانونی شاه را بر همه شئون مملکت که نتیجه
آن ورشکستگی اقتصادی فقر و گرسنگی و محو همه آزادی و
دموکراسی ملت ایران است قویا محکوم و اعلام می نمایم
نقش رسوای هیبت حاکمه ایران در برگزاری انتخاباتی
که موجب روسفیدی تظاهر گذشته آنست برملا خواهد
ساخت. جبهه ملی ایران در آستانه یازدهمین سالگرد
سی ام تیر پیمان ناگسستگی خود را بحفظ و صیانت حقوق
ملت و مجاهدان بخاطر تحصیل استقلال ملی تجدید میکند
هموطنان شرافتمند - خونهائی که در سی ام تیر ۳۱
شانزده آذر ۲۲ - اول بهمن ۴۰ و ۱۵ خرداد ۴۴ و روزهای
نظیر آن برخاک ریخته است سرانجام پیروزی ملت ما و
شکست فرجامینی درخیمان بی شفقت استعمار منتهی خواهد
شد.

درد به ارواح شهدای سی تیر
درد بدکتر محمد مصدق پیشوای زندانی ملت ایران
و همه زندانیان بزرگ استعمار و استبداد درود بیرون شهدای
راه استقلال و آزادی میهن ما.

درد بیرون شهدای آزادی و استقلال وطن
درد به رهبران مبارز و اعضای فداکار جبهه ملی ایران
که اسیر زندان استبداد هستند.

مملکت را صرف تاسیس دستگاهی بنام سازمان امنیت و
تقویت وسایل اجرائی آن کرده اند و علاوه بر ترویج
جاسوسی و نفاق و خیرچینی بین افراد مردم و تضعیف
اصول اخلاقی در جامعه تحت عنوان امنیت هرگونه
امنیت را از مردم سلب کرده اند و حتی از جعل عنوان و
انتشار اعلامیهها و بیانیهای ساختگی نیز ایان دارند چنانکه
بعنوان "کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران" اقدام بدبخت
بیانیهای در شهر قم نموده اند غافل از اینکه این نوع
تلاشهای مذبحونه بیش از پیش ضعف و درماندگی آنها را
بر ملا میسازد و کسی نیز فریب این نوع اعلامیهها را نمیخورد
زیرا در چنین شرایط اختناق آمیز و در زیر سلطه حکومت
سع دیکتاتوری مردم اعلامیههای جبهه ملی را تنها از طریق
سازمانهای جبهه و اعضا آن بدست می آورند و جز از این
راه اعلامیههایی را بنام جبهه ملی قبول نمی کنند. دستگاهی
که میلیاردها ریال صرف چنین سازمان جهنمی میکند به
عنوان کسر بودجه اعتبار مختصر فرهنگ دهخدا را بی پروا
قطع میکند و ابتکار عظیم علمی و ملی را عقیم میکند.
دستگاهی که میلیونها دلار درآمد ارزی و قرضه های خارجی
را به حسابهای شخصی در بانکهای خارجه منتقل ساخته
است در شرایطی که فقر اقتصادی همه را به سطوح آورده
درصد تهیه تصویب نامه های جدید برای اخذ مالیات
سرانه و انواع مالیات سرانه و انواع مالیاتهای قرون وسطائی
دیگر است تا از این راه بتواند سازمان امنیت و سایر ابزار -
های حکومت استبدادی را همچنان حفظ کند و در راه تسلط
خود مورد استفاده قرار دهند.

مردم شرافتمند ایران:
اینست نموداری از اوضاع فعلی کشور و اینست طلبیه
دوره جدیدی از حکومت استبداد که با فراندن غیرقانونی
ششم بهمن مقدمات آن فراهم گردید فراندن ششم بهمن
نوسط همان دستگاه و مقامی صورت گرفت که سالیان سال با
مداخله در امر انتخابات و تشکیل مجالس فرمایشی اولین
و اساسی ترین حق ملت را از مردم سلب کرده بود. رفراوند
ششم بهمن بوسیله همان مقامی صورت گرفت که سالیان
متمادی بعنوان بزرگترین مالک ایران و یکی از بزرگترین
مالکان جهان - هزاران و دهها هزار دهقان ایرانی را
استثمار میکرد. رفراوند ششم بهمن بوسیله همان دستگاهی
صورت گرفت که نه تنها زنان بلکه جمیع افراد ملت از زن و
مرد و پیر و جوان را از حقوق و آزادیهای قانونی خود
محروم ساخته - حق رای - حق اظهار عقیده و آزادی بیان
را از آنان سلب کرده و میکند. رفراوند ششم بهمن که
بودجه آن از بیت المال ملت پرداخته شد برای آن صورت
گرفت که رژیم مشروطه را تحت بعضی عناوین ظاهر پسند
علنا و رسما از مملکت برچینند و نظم دیکتاتوری فردی و
استبداد ناصرال دین شاهی را مجددا برقرار سازند و آنچه
اکنون در مملکت میگذرد از قتل و حبس و ضرب و شکنجه
مردم و قشون کشی و غارت مدارس و مساجد و دانشگاهها
و یورش به مردم بیگناه، قم و مشهد و تبریز و غیره فقط و
فقط بعنوان طلبیه و مقدمه استقرار این رژیم است.

هموطنان شرافتمند - زنان و مردان فداکار ایران
در این روزهای تاریخی باید بوظایف ملی و وجدانی
خود توجه کنیم و بسرنوشت مملکت و میهن خویش ببیندیشیم
و برای نجات نسلهای آینده از آتش خانمانسوز ستبداد با
تمام قوا تلاش و مجاهدت نمائیم. جبهه ملی ایران که
پاسداری حقوق ملت و نگهداری استقلال وطن را وظیفه
اصلی و اساسی خود میبشاند در این ایام پرحادثه و تاریخی
شما رامورد خطاب قرار میدهد و از شما میخواهد که با
تمام قوا و از دل و جان در راه آزادی و امنیت و شرافت
خود و خانوادهها و فرزندان خود بکوشید. از قانون اساسی
که خونبهای پدران شهید شاست دفاع کنید. نظام قانونی
کشور و سنن ملی را در برابر تجاوز حکومت استبدادی حفظ
و حراست نمائید و پیوسته بپوش باشید.

مادر برابر نسلهای آینده مسئولیت سنگینی بعهده
داریم. ما باید بمسئولیتها و وظیفه تاریخی خود توجه
کنیم. ما با اتحاد و مبارزه ما سرانجام دیو خودگامگی و
استبداد در برابر اراده ملت بزوان در خواهد آمد.
هموطنان گرامی - دهقانان - بازاریبان و روحانیون ارجمند -
دانشجویان - فرهنگیان - بازاریبان و روحانیون ارجمند -
اکنون روز امتحان فرا رسیده است - روزی که باید
کرامت و سربلندی شما در برابر جهانیان بار دیگر آشکار
گردد. سراسر میهن شما در تلاطم است. آتش بیداد همه
و همه چیز را تهدید میکند. آینده شما و فرزندان شما در
معرض خطر است. دیگر همه چیز بستگی بمقاومت و ایستادگی
شما دارد. باید به دیو لجام کسبخته استبداد فرمان ایست
بدهید و او را از تجاوز باز دارید.
درد بیرون شهدای آزادی و استقلال وطن
درد به رهبران مبارز و اعضای فداکار جبهه ملی ایران
که اسیر زندان استبداد هستند.